

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ اسلام (۱)

سیره رسول خدا ﷺ

حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی
حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم
دکتر منصور داداش نژاد

تابستان ۱۳۹۸

محمدی، رمضان؛ حسینیان مقدم، حسین؛ داداش نژاد، منصور؛ -
تاریخ اسلام (۱) (سیره رسول خدا ﷺ) / رمضان محمدی، حسین حسینیان مقدم؛ منصور داداش نژاد،
قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۴۰۰ گروه تاریخ ۴۹؛ دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ۱۳۹۸.
۳۰۴ ص.

ISBN:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه. ص. [۱۹۷] ۳۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
الف. دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
شماره کتابشناسی ملی



مرکز مدیریت حوزه های علمیه
دفتر تدوین متون درسی



تاریخ اسلام (۱) (سیره رسول خدا ﷺ)
مؤلفان: حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان
مقدم و دکتر منصور داداش نژاد، (اعضای هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)
ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه
ناشر همکار: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
پی گیری اجرایی: سید روح الله مدنی
ویراستار: اسماعیل یارمحمدی
صفحه آرایی: اسحق حبیبی
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸
تعداد: نسخه
چاپ: قم - انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه
قیمت: ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.
قم: بلوار امین - مدرسه معصومیه - مرکز مدیریت حوزه های علمیه - دفتر تدوین متون درسی ۰۲۵-۳۲۹۱۰۹۷۰
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات
۰۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ تهران: خ انقلاب، بین وصال شیرازی و قدس، نبش
کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.tmd.ir www.rihu.ac.ir Email: tmdqom@gmail.com info@rihu.ac.ir

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۱
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱۳
گفتار اول: مقدمات	۱۴
۱. تعریف، اهمیت و فایده تاریخ	۱۴
۱-۱. تعریف تاریخ	۱۴
۲-۱. اهمیت علم تاریخ	۱۶
۳-۱. فایده تاریخ	۱۷
۲. ضرورت مطالعه تاریخ اسلام	۷۱
۳. شیوه‌ها و گونه‌های تاریخ‌نگاری	۸۱
۳-۱. مکتب تاریخ‌نگاری مدینه	۱۹
۳-۲. مکتب تاریخ‌نگاری عراق	۲۲
۳-۳. مکتب تاریخ‌نگاری شام	۲۳
۴. روش و ابزار تحلیل تاریخ اسلام	۲۴
گفتار دوم: مهم‌ترین منابع تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ	۲۷
گفتار سوم: جهان در آستانه بعثت	۴۰
۱. تعریف جاهلیت، ویژگی‌ها و قلمرو آن	۴۰
۱-۱. مفهوم جاهلیت در لغت و اصطلاح	۴۰
۲-۱. زمان جاهلیت	۴۵
۲. جاهلیت در جزیره العرب	۴۶
۱-۲. اوضاع جغرافیایی	۴۶
۲-۲. اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر جاهلی	۴۸
بازارهای مهم عصر جاهلی	۵۴
اوضاع علمی	۵۵
اوضاع دینی	۵۶

۳. جایگاه قریش در جزیره العرب ۵۹
- ۱-۳. جاهلیت در دیگر سرزمین ها ۶۰

فصل دوم: زندگانی رسول خدا ﷺ از تولد تا بعثت ۶۳

- گفتار چهارم: شخصیت و زندگانی رسول خدا ﷺ ۶۴
- مقدمه ۶۴
۱. نیاکان رسول خدا ﷺ ۶۴
۲. والدین رسول خدا ﷺ ۶۸
۳. تولد رسول خدا ﷺ ۶۹
۴. کودکی و نوجوانی ۷۳
- گفتار پنجم: حوادث و رخدادها ۷۹
۱. سفر رسول خدا ﷺ به یثرب ۷۹
۲. کفالت عبدالمطلب ۸۱
۳. کفالت ابوطالب ۸۲
۴. سفرهای رسول خدا ﷺ پیش از بعثت ۸۴
۵. سفر دوم رسول خدا ﷺ به شام ۸۸
- گفتار ششم: حلف الفضول یا پیمان برتر ۹۱
۱. شغل رسول خدا ﷺ پیش از پیامبری ۹۲
۲. ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با حضرت خدیجه علیها السلام ۹۴
۳. امین بودن رسول خدا ﷺ ۹۵
۴. نصب حجرالاسود ۹۶
۵. سرپرستی علی بن ابی طالب علیهما السلام ۹۸

فصل سوم: زندگانی رسول خدا ﷺ از بعثت تا هجرت ۱۰۳

- گفتار هفتم: بعثت رسول خدا ﷺ ۱۰۴
۱. بعثت رسول خدا ﷺ ۱۰۴
- ۱-۱. آغاز رسالت ۱۰۵
۲. مفهوم شناسی دعوت ۱۱۱

۱۱۳	۳. ویژگی های دعوت پیامبران
۱۱۴	۴. شیوه دعوت پیامبران
۱۱۵	۴-۱. استدلال
۱۱۶	۴-۲. معجزه
۱۱۷	۴-۳. امید و بیم
۱۱۸	۴-۴. ارائه اسوه
۱۱۸	۵. مخاطبان دعوت پیامبران
۱۲۰	گفتار هشتم: دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله
۱۲۰	۱. دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله
۱۲۱	۲. دعوت در عصر مکی
۱۲۱	۲-۱. دعوت پنهان
۱۲۵	۲-۲. دعوت آشکار
۱۳۰	گفتار نهم: واکنش مکیان در برابر دعوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
۱۳۰	۱-۱. واکنش مکیان در برابر دعوت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله
۱۴۴	گفتار دهم: هجرت به حبشه
۱۴۴	۱. هجرت به حبشه
۱۴۵	۱-۱. چگونگی هجرت
۱۴۵	۱-۲. جمعیت مهاجران
۱۴۶	۱-۳. واکنش قریش به هجرت
۱۵۰	۲. تحریم های ظالمانه
۱۵۴	۲-۱. فرجام تحریم
۱۵۵	۲-۲. پیامد تحریم
۱۵۷	۳. سیر شبانه و معراج
۱۵۸	۴. استقبال فرهیختگان از دعوت جدید
۱۵۹	۵. درگذشت حامیان دعوت
۱۶۰	۵-۱. علل مخالفت مکیان

گفتار یازدهم: دعوت فرامنطقه‌ای	۱۶۳
۱. دعوت فرامنطقه‌ای	۱۶۳
۱-۱. سفر به طائف	۱۶۳
۲-۱. دعوت دیگر قبائل عرب	۱۶۵
۳-۱. دیدار با یثربیان	۱۶۷
۲. تلاش‌های افول‌گرایانه قریش	۱۷۸
۱-۲. تلاش برای آگاهی از پیمان عقبه	۱۷۸
۲-۲. توطئه قتل پیامبر خدا ﷺ	۱۷۹
۳-۱۴. جانشینی در بستر	۱۸۰

فصل چهارم: زندگانی رسول خدا ﷺ از هجرت تا رحلت

گفتار دوازدهم: هجرت به مدینه و نخستین اقدامات	۱۸۳
۱. هجرت رسول خدا ﷺ به مدینه	۱۸۳
۲. ورود رسول خدا ﷺ به مدینه	۱۸۵
۱-۲. اقدامات بنیادین	۱۸۶
۳-۲. نفاق و منافقان	۱۹۵
گفتار سیزدهم: جهادهای رسول خدا ﷺ - مغازی و سرایا	۲۰۳
۱. از جنگ بدر تا صلح حدیبیه	۲۰۳
۱-۱. نبرد بدر	۲۰۵
۲-۱. نبرد بنی قینقاع	۲۰۷
۳-۱. نبرد اُحُد	۲۰۷
۴-۱. نبرد حَمْرَاءِ الْاَسَد	۲۰۹
۵-۱. نبرد بنی نَضِیر	۲۱۰
۶-۱. حوادث پیش از نبرد خندق	۲۱۱
۷-۱. نبرد خندق	۲۱۲
۸-۱. نبرد بنی قُرَیظَه	۲۱۴
۹-۱. سرکوب قبائل همسو با قریش	۲۱۵

گفتار چهاردهم: صلح خُدییه	۲۱۹
۱. از نبرد خیبر تا نبرد تبوک	۲۲۲
۱-۱. نبرد خیبر	۲۲۲
۲-۱. نبرد موته	۲۲۵
۳-۱. فتح مکه	۲۲۵
۴-۱. نبرد خُنین و طائف	۲۲۹
۵-۱. تبوک	۲۳۱
گفتار پانزدهم: گسترش و توسعه اسلام	۲۳۴
۱. برائت از مشرکان	۲۳۴
۲. وفود	۲۳۵
۳. مباحله	۲۳۶
۴. حجة الوداع و غدیر خم	۲۳۷
۵. رحلت رسول خدا ﷺ و حوادث منتهی به آن	۲۳۹
۱-۵. لشکر آسامه	۲۳۹
۲-۵. وصیتی که نوشته نشد	۲۳۹
۳-۵. رحلت	۲۴۰
گفتار شانزدهم: سیره و دستاوردهای رسالت پیامبر ﷺ	۲۴۱
۱. قرآن و سنت	۲۴۱
۲. سیره رسول خدا ﷺ	۲۴۱
۱-۲. سیره اخلاقی	۲۴۲
۲-۲. سیره فردی	۲۴۶
۳-۲. سیره خانوادگی	۲۴۷
۴-۲. سیره سیاسی و نظام اداری	۲۵۱
۵-۲. سیره نظامی	۲۵۵
۳. تغییرات اساسی جامعه، پایه‌گذاری تمدن اسلامی	۲۶۰

گفتار هفدهم: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام	۲۶۲
۱. از ولادت تا هجرت	۲۶۲
۲. از هجرت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله	۲۶۵
۱-۲. ازدواج و همسر داری	۲۶۷
۲-۲. تربیت فرزندان	۲۷۱
۳. از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت حضرت زهرا علیها السلام	۲۷۲
۱-۳. دفاع از حریم ولایت	۲۷۲
۲-۳. غصب فدک	۲۷۴
۳-۳. شهادت	۲۷۵
۴. شخصیت و سیره حضرت زهرا علیها السلام	۲۷۵
۱-۴. سیره اخلاقی	۲۷۶
۲-۴. سیره عبادی	۲۷۶
۳-۴-۵. سیره علمی	۲۷۸
منابع و مآخذ	۲۸۲

مقدمه

حوزه‌های علمیه شیعه، نگهبانان میراث جاوید معارف و علوم و پاسداران حریم شریعت و عقاید اسلامی‌اند. این رسالت خطیر، مسئولیت عالمان دین‌باور را در عرصه تعلیم و تربیت، دوچندان ساخته است. دغدغه‌های همیشگی عالمان متعهد نسبت به اصلاح و غنابخشی کمی و کیفی شیوه‌ها، متون و الگوهای آموزشی، در راستای بالندگی و پویایی و کارآمدی نظام آموزشی حوزه، بر ضرورت بازنگری و اصلاح و تدوین و ارائه متون نو و کارآمد تأکید می‌ورزد.

البته از یک سو، منزلت و جایگاه متون درسی در حوزه‌های علمیه و بهره‌مندی از میراث گران‌سنگ و ذخایر ارزشمند متون قدیم از صلحای سلف و وزانت و اعتبار مؤلفان آنها، ایجاب می‌کند که در بازسازی و اصلاح و تدوین متون درسی، اهتمام و دقت و تأمل خاص و شایسته‌ای مبذول شود و از سوی دیگر، دگرگونی و تحول در گرایش‌ها، نیازها، انتظارات، شیوه‌ها و الگوهای تعلیم و تربیت، مسئولیت متولیان امر پرورش و آموزش و برنامه‌ریزی درسی را در حوزه‌های علمیه افزون می‌سازد تا همواره با آرایه‌بندی‌ها، الگوها و قالب‌های نو و با ارتقای محتوایی، به پیرایش و تدوین متون درسی، همت گمارند.

از این رو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، براساس ضرورت‌ها و نیازهای یادشده، نسبت به تولید متون درسی، اقدام کرده و ده‌ها جلد کتاب درسی را طراحی، تدوین و منتشر ساخته‌اند و اولین اثر مشترک خود را به جامعه علمی و آموزشی کشور تقدیم می‌دارند و در این فرایند سعی داشته‌اند ضمن حفظ اصالت و غنای محتوایی گنجینه‌های ارزشمند برجای مانده از عالمان گذشته، با کاربرست فناوری آموزشی و رعایت اصول، معیارها و الگوهای جدید، متونی هماهنگ با اهداف و در چارچوب برنامه‌ها و سرفصل‌های مصوّب و متناسب با سطح علمی و انتظار فراگیران ارائه کنند.

اثر حاضر از سوی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهیه و به صورت مشترک با دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه منتشر شده است. این کتاب به عنوان متن درسی برای طلاب سطح دو حوزه‌های علمیه و دانشجویان رشته «تاریخ اسلام» و رشته‌های همگون با آن در مقطع کارشناسی ارشد تهیه شده است. امید آنکه دیگر علاقه مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب نظران ارجمند انتظار داریم با ارائه پیشنهادها، نقدها و دیدگاه‌های اصلاحی خود ما را در جهت اصلاح این کتاب و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری دهند.

در پایان لازم می‌دانیم از مجری اثر حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی و مؤلفان محترم اثر به ترتیب حجت الاسلام والمسلمین رمضان محمدی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین حسینیان مقدم و دکتر منصور داداش نژاد سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه



فصل اول

کلیات و مفاهیم



در این فصل با مفاهیم و ضرورت مطالعات تاریخی آشنا شده و معنای جاهلیت، محدوده زمانی و ویژگی‌های جاهلیت از منظر قرآن به عنوان مقدمه شناخت تاریخ اسلام واکاوی می‌شوند. پس از آن مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع سیره که به طور عام ضرورت هر پژوهشگر مباحث تاریخی است، معرفی می‌شوند.



گفتار اول: مقدمات

فصل اول با یک مقدمه و سه گفتار اندکی درباره مفاهیم و واژه های مرتبط با تاریخ واکاوی می کند. در گفتار نخست به بازکاوی مفهوم تاریخ، اهمیت تاریخ، ضرورت مطالعات تاریخی، شیوه ها و گونه های تاریخ نگاری پرداخته شده است تا زمینه لازم برای برای گفتگو درباره تاریخ زندگانی رسول خدا ﷺ که هدف اصلی این نوشته است، فراهم آید. در این گفتار از نظریات مختلف دانشمندان درباره تعریف تاریخ، اهمیت و فوائد آن یاد شده است. روشن است که این یاد کرد به خودی خود هدف این نوشته نیست، بلکه پرداختن به این مقدمات برای اثبات این نکته است که تاریخ اسلام را به الزام باید روشمند و با آگاهی از مقدمات آن فرا گرفت.

۱. تعریف، اهمیت و فایده تاریخ

۲. ضرورت مطالعه تاریخ اسلام

۳. شیوه ها و گونه های تاریخ نگاری

۴. روش و ابزار تحلیل تاریخ اسلام

۵. مهم ترین منابع تاریخ اسلام

۱. تعریف، اهمیت و فایده تاریخ

۱-۱. تعریف تاریخ

الف) تاریخ در لغت^۱ به معنای گذشت زمان و رویدادهاست.^۲ به سخن دیگر، تاریخ هر چیزی غایت و وقت آن است که به آن، پایان می پذیرد.^۳ برخی نیز گفته اند: معنای تاریخ

۱. برای آگاهی از ریشه این کلمه رک: روزنتال، تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ج ۱، ص ۲۳. ابوریحان بیرونی «مورخ» را تعریف «ماه روز» دانسته است (رک: بیرونی، الآثار الباقیه عن القرون الخالیة، ص ۳۶).

۲. صالحی لشامی، سبیل الهدی، ج ۱۲، ص ۴۲: «التاریخ: تعریف الوقت، و فی الاصطلاح: تعیین وقت ینسب إلیه زمان و ما بعده» و رک: ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴، ماده ارخ.

۳. صولی، أدب الکتاب، ص ۱۷۸، آلوسی، بلوغ الأرب فی معرفة أحوال العرب، ج ۳، ص ۲۱۴.

«تأخیر» است. همچنین برخی آن را «اثبات الشیء» تعریف کرده‌اند.^۱ ابن خلدون در تعریف تاریخ^۲ می‌گوید: تاریخ عبارت از یاد کردن اخبار مخصوص به یک عصر یا یک جماعت است.^۳ ابوریحان بیرونی در گزارشی می‌گوید: اموال بسیاری نزد عمر رسید که توزیع آنها براو سخت شد، از بزرگان صحابه نظر خواست. هرمزان، حاکم اهواز را که در فتح ایران به اسارت درآمده بود، برای حل مشکل نزد عمر آوردند؛ وی گفت: ایرانیان حسابی به نام ماه روز (یعنی حساب ماه‌ها و روزها) دارند، چون این لفظ را تعریف کردند، «مورخ» شد و مصدر آن را تاریخ قرار دادند و آن را در اشکال صرفی استعمال کردند. سپس هرمزان کیفیت استعمال آن را شرح داد.^۴ بنا براین نظر، اصل کلمه تاریخ، ماه روز است.

ب) تاریخ در اصطلاح^۵ عبارت است از: معلوم کردن مدتی را از ابتدای امر قدیم تا ظهور امر ثانی که عقب او می‌آید.^۶ به عبارتی، تعیین وقت است برای نسبت دادن زمان به آن؛ خواه گذشته باشد، خواه حال و آینده.^۷ کافجی در تعریف تاریخ گفته است: «أما علم التأریخ، فهو علم یبحث فیه عن الزمان و أحواله، و عن أحوال ما یتعلق به من حیث تعیین ذلک و توقیته».^۸ به طور معمول، حوادث مهم در میان ملت‌ها مبدأ تاریخ قرار می‌گیرند که هجرت رسول خدا ﷺ از مکه به مدینه مبدأ تاریخ مسلمانان قرار داده شده است و در زمان خلافت عمر بن خطاب این تاریخ ثابت گردید.^۹

۱. صولی، همان جا.

۲. برای دیدن تعریف‌های دیگر رک: کافجی، المختصر فی علم التأریخ، ص ۱۶.

۳. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۴۲.

۴. ابوریحان بیرونی، الآثار الباقیة عن القرون الخالیة، ص ۳۶.

۵. کافجی، المختصر فی علم التأریخ، ص ۱۶: فعلم من هذا أن التأریخ فی الاصطلاح لفظ مشترک کاشتراك العین بین معانیها.

۶. تعیین وقت ینسب إلیه زمان و ما بعده. برای این معنا، رک: سخاوی، الإعلان بالتوویخ لمن ذم التأریخ، ص ۱۴-۱۷: والحاصل أنه فن یبحث فیه عن وقائع من حیثیة التعیین والتوقیت، بل عما کان فی العالم.

۷. حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۱۲.

۸. کافجی، المختصر فی علم التأریخ، ص ۱۶ و ۵۵: «دانش تاریخ، آن است که در آن از زمان و حالات آن و احوال متعلق به زمان از حیث تعیین و توقیت بحث می‌شود».

۹. ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴؛ صولی، أدب الکاتب، ص ۱۷۹.

۱-۲. اهمیت علم تاریخ

شناخت تاریخ، از لوازم شناخت برخی تعالیم دینی به شمار آمده است. قرآن کریم گرچه به وقایع نگاری و انعکاس رویدادهای زندگی اقوام گذشته، به عنوان یک مقوله تاریخی توجهی نکرده، اما در راستای اهتمام به اهمیت آگاهی از تاریخ امت‌ها، پیروان خود را به مطالعه تاریخ گذشته‌گان فرا خوانده و با تکرار و تأکید بسیار از پیروانش خواسته است تا برای آگاهی از گذشته به سیر و سفر پردازند.^۱ افزون بر قرآن کریم، در روایات اسلامی نیز به تاریخ اهتمام ویژه‌ای شده است.^۲ در نامه معروف امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام تأکید شده است که برای استفاده از تجربه گذشتگان به سیر و سیاحت در اخبار آنان پردازد.^۳ بنابراین، آیات و روایات اسلامی برای تاریخ اهمیت بسیاری قائل شده‌اند. افزون بر آن، علم به قواعد سیاست، طبایع موجودات، اختلاف ملت‌ها، سرزمین‌ها و عصرهای گوناگون از لحاظ سیرت‌ها و اخلاق و عادات و مذاهب و رسوم و دیگر کیفیات، نیازمند دانش تاریخ است. در واقع علم به حوادث تاریخی است که می‌تواند با احاطه به وقایع حاضر و موجود، آنها را با آنچه نهان و غایب است بسنجد و وجه تناسب میان آنها را از لحاظ توافق یا تضاد و خلاف دریابد، و موافق را با مخالف و متضاد تجزیه و تحلیل کند و به علل آنها پی برد و هم به درک اصول و شالوده‌های دولت‌ها و ملت‌ها و مبادی پدید آمدن آنها و موجبات حدوث و علل وجود هریک همت گمارد و عادات و رسوم و اخبار زمامداران را به کمال فرا گیرد.^۴ به سخن دیگر، تاریخ منبع مهمی برای روشننگری امروز جامعه و گشایشگر آینده آن است، از این رو، در حوزه سیاسی ارزش تاریخ به خوبی شناخته شده و سیاستمداران پخته و آینده‌نگران آن در مسیر اقتدار خویش بهره می‌برند. برای اهمیت تاریخ همین بس که

۱. آیاتی مانند: انعام: ۱۱؛ نمل: ۶۹؛ عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۹ و ۴؛ فاطر: ۴۴؛ آل عمران: ۱۳۷؛ اعراف: ۳؛ هود: ۱۲۰ و... نشان از این اهمیت دارند.

۲. روایتی نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «من ورّخ مؤمناً فکأنما أحياه» (قمی، سفینه البحار، ج ۸، ص ۴۳۵). این روایت ضمن اینکه دارای مضمون مطلوبی برای موضوع است، اما با توجه به اینکه نه در زمان آن حضرت مصداقی داشته و نه مخاطب مناسبی دارد، صحت آن محل تردید است.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه نامه ۳۱، ص ۱۳۹.

۴. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۷.

بسیاری از علمای فقه و تفسیر مانند: شیخ مفید، طبری، ذهبی، سخاوی و...، از مورخان نامی اسلامی به شمار می‌روند و آثار تاریخی بدیع و مبسوطی پدید آورده‌اند.

۳-۱. فایده تاریخ

تاریخ دارای فواید بسیار و مفاهیم اجتماعی عمیقی از قبیل عبرت آموزی، ارائه تصویری از هویت اخلاقی، ملی، مذهبی و ارزش‌های یک جامعه است. آگاهی از تاریخ سرگذشت پیشینیان، انسان را به حدی از دانش می‌رساند که گویا در گذشته با پیشینیان زندگی کرده، بلکه از اول تا آخر با آنها بوده است، با مطالعه تاریخ می‌توان علت پیشرفت و سعادت مردان و زنان بزرگ تاریخ را دریافت و از این دانش در ساختن زندگی خود به خوبی بهره برد.^۱ بنابراین، کسی که از تاریخ تجربه نیاموزد در برنامه زندگی خود پشتیبانی نگرفته است.^۲ تردیدی نیست که قرآن کریم نیز به جهت فایده آگاهی از گذشته، به عبرت گرفتن از ملت‌های گذشته تأکید ورزیده و با نگاهی جهانی به تاریخ، به سیر ظهور متوالی انبیا پرداخته است. از این رو، برای برنامه‌ریزی مطلوب آینده، توجه به گذشته امری ضروری و به عبارتی، گذشته چراغ راه آینده است.^۳ و با مطالعه تاریخ زمینه‌ای فراهم می‌شود که فرد:^۱ موقعیت خود را بشناسد؛^۲ با توجه به موقعیت خویش به موضع‌گیری حساب شده‌ای برسد؛^۳ از گذشته عبرت^۴ و سرمشق^۵ بگیرد؛^۴ قوانین کلی را از حوادث گذشته استنباط کند.

۲. ضرورت مطالعه تاریخ اسلام

روایات و احادیث بسیاری از امامان معصوم علیهم‌السلام به عبرت گرفتن از حوادث گذشته تأکید دارند و در همین راستا بسیاری از عالمان مسلمان به تاریخ پرداخته و اشتغال به

۱. سیدرضی، نهج‌البلاغه نامه ۳۱: «أَيُّ بُنَى، إِيَّيْ وَ إِنْ لَمْ أَكُنْ عُورَتْ عُورُ مَنْ كَانَ قَبْلِي، فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ...».

۲. آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۶۰۷: «من لم يعتبر بغيره لم يستظهر لنفسه». روایات دیگری نیز در این مضمون هستند، مانند: مَنْ لَمْ يَتَّبِعْ بِعِبَرِ الدُّنْيَا وَ صُرُوفِهَا...؛ همان، ص ۴۲۰ و ۴۳۷.

۳. برای آگاهی بیشتر از فوائد و اهمیت تاریخ رک: ابن جوزی، المنتظم، ج ۱، ص ۹.

۴. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ...» (یوسف، ۱۱۱).

۵. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...» (احزاب، ۲۱).

آن را برای خدمت به دین ضروری داشته‌اند.^۱ دانشمندان اسلامی از رهگذر توجه به تاریخ در طی قرن‌های گذشته به شناخت بلاد و امم گذشته و حوادث پیشین پرداخته، اخبار و روایت‌های تاریخی فراوانی را جمع کرده و از این رهگذر کتاب‌های تاریخی بسیاری نوشته‌اند. به تعبیر استاد شهید مطهری، تاریخ از نظر قرآن یکی از منابع شناخت است و آیات بسیاری به مطالعه تاریخ اقوام گذشته دعوت می‌کرده و آن را یک منبع برای کسب علم معرفی می‌کنند.^۲

در واقع تاریخ هر قومی، میراث و تبارنامه آن قوم است که سرگذشت حیات و فرهنگ آن ملت را ترسیم می‌کند. با مطالعه تاریخ هر ملتی می‌توان به علل تعالی یا انحطاط، چگونگی روابط ملت‌ها، و مظاهر زندگی، فرهنگ و سرنوشت آن ملت آگاه شد و آن را در معرض اندیشه، کنکاش و مطالعه قرار داد؛ البته در استفاده از تاریخ، به کارگیری روش‌های مناسب و بهره گرفتن از ابزارها و متدهای سنتی و کلاسیک برای کشف حقایق تاریخی و بازسازی وقایع، امری اجتناب ناپذیر است.

۳. شیوه‌ها و گونه‌های تاریخ‌نگاری

دانش تاریخ‌نگاری، دارای شیوه‌ها و گونه‌های مختلف است. عمومی‌ترین گونه در تاریخ‌نگاری به دو شکل: سنتی و جدید است.^۳ در شکل سنتی که در آن به صورت تجربی و کنکاش علمی در منابع، یا با مشاهده و جستجوی دقیق و فراوان در اسناد و شواهد تاریخی به مطالعه در تاریخ می‌پردازند از شیوه‌هایی مانند روایی، تحلیلی، یا ترکیبی از روایی و تحلیلی، استفاده می‌شود. شکل دیگر تاریخ‌نگاری به شیوه‌های جدید است که از قرن هجدهم میلادی آغاز شد و در آن توجه بیشتر به ابعاد اجتماعی و اقتصادی تاریخ گذشته و به دور از تاریخ نویسی برپایه وقایع و حوادث گذشته برپایه زمامداران است.

۱. سخاوی می‌گوید: وبعد، فلما كان الاشتغال بفن التاريخ للعلماء من أجل القربات، بل من العلوم الواجبات المتنوعة للاحكام الخمسة بين اولى الاصابات. (سخاوی الإعلان بالتبويخ لمن ذم التاريخ، ص ۱۴).

۲. رک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، (تاریخ اسلام) ص ۴۷.

۳. رک: جرمی بلک، دونالدم، مطالعه تاریخ، ص ۳۹ و ۷۱.

شیوه تاریخ‌نگاری‌های سنتی نقش مهمی در چینش و پالایش گزارش‌ها و اخبار تاریخی دارند. چنان‌که شناخت اشخاص سرشناس مکاتب تاریخی نیز می‌تواند در شناخت و بررسی راویان و مورخان آن مکتب نقش اساسی ایفا کند.

حرکت‌های علمی مسلمانان در حوزه نگارش تاریخ که مبتنی بر روش سنتی بود، از اواخر دوره اموی آغاز شد. این حرکات علمی از حجاز، با مرکزیت مدینه شروع شد و سپس به شهرهای مهم عراق مانند کوفه و بصره و سپس بغداد توسعه یافت؛ از این رو، نخستین مکتب تاریخ‌نگاری، مکتب مدینه بود و پس از آن مکتب عراق به وجود آمد. فعالیت‌های این دو مکتب به دیگر شهرهای اسلامی مانند مصر، شام نیز توسعه یافت و مکاتب تاریخ‌نگاری شام و مصر پدید آمدند. به طور طبیعی هر کدام از این مکاتب تاریخ‌نگاری به تدریج مراحل را برای تکامل خود را طی کرده‌اند. آنچه در ادامه خواهد آمد مختصری از سیر پدید آمدن و چگونگی شکل‌گیری مکاتب تاریخ‌نگاری اسلامی است.

۳-۱. مکتب تاریخ‌نگاری مدینه

مکتب تاریخ‌نگاری مدینه به جهت منع کتابت حدیث بسیار با تأخیر شکل گرفت، اما پایه‌های اصلی شکل‌گیری دیگر مکاتب تاریخی بود و در شکل‌گیری و تکامل آن، سه طبقه از تابعین مدینه نقش داشتند که عبارت‌اند از:

طبقه اول: این طبقه شامل نخستین تابعان مدینه‌اند:

۱. ابان بن عثمان بن عفان، وی نوشته‌ای نیز در مغازی رسول خدا ﷺ داشته است. گرچه در نوشته‌های طبقه بعدی مطلبی از او در سیره نیامده است؛
 ۲. عروة بن زبیر بن عوّام، وی به جهت نسبتی که با عایشه همسر رسول خدا ﷺ داشته، مطالب بسیاری از او درباره سیره آن حضرت نقل کرده است؛
 ۳. شرحبیل بن سعد، وی از موالی و وابستگان انصار است و مطالب بسیاری درباره غزوات رسول خدا ﷺ و مهاجران مدینه از او نقل شده است.
- افزون بر اشخاص یاد شده، کعب الاحبار یهودی یمنی (م. ۳۵) و عبدالله بن سلام (م. ۴۰) و وهب بن منبه (م. ۱۱۰)؛ در توسعه روایات خرافه و اسرائیلیات در میان نخستین

روایات تاریخی سهم بسزایی داشتند و بیش از هر کس موجب قصصی شدن روایات تاریخی شده‌اند؛^۱

طبقه دوم: نسل دومی که در شکل‌گیری مکتب تاریخ‌نگاری مدینه نقش مؤثر داشتند عبارت‌اند از:

۱. عبدالله پسر ابی بکر بن محمد بن عمرو بن حزم انصاری، عبدالله در ادامه کار پدرش ابوبکر که به دستور عمر بن عبدالعزیز مأمور گردآوری احادیث رسول خدا ﷺ شد، روایات بسیاری در سیره و مغازی فراهم آورد. بسیاری از مورخان کهن مانند ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد و طبری از او روایت دارند؛

۲. عاصم بن عمر بن قتاده، جدّ وی -قتاده- در جنگ بدر شرکت داشت. عاصم اخبار غزوات را به نقل از پدرش حکایت می‌کرد وقتی این خبر به عمر بن عبدالعزیز رسید از او خواست در مسجد جامع دمشق برای مردم از مغازی و مناقب صحابه حکایت کند. عاصم مورد اعتماد ابن اسحاق و واقدی بوده است؛^۲

۳. شاخص‌ترین فرد این طبقه، محمد بن مسلم بن عبیدالله بن شهاب زُهری است که مؤلفه‌های آغازین سیره را نظم داد؛ از این رو، برخی وی را بنیان‌گذار مکتب مدینه می‌دانند.^۳

ابان بن عثمان، عروة بن زبیر، عبیدالله بن عتبه و ابوسلمه بن عبدالرحمن، سعید بن مسیب و عبیدالله بن عبدالله بن عتبه نیز از جمله کسانی هستند که ابن شهاب از آنان روایت دارد. زهری در نقل گزارش‌های خود تنها به عروه اکتفا نکرده و از روایان دیگر نیز بهره برده است. ویژگی مهم نقل‌های زهری آن است که با ادغام گزارش‌ها، شکل و ساختار تاریخی به آنها داد و برای علم تاریخ، روش ایجاد کرد. گفتنی است زهری کمتر به قصص

۱. نصار، تطوّر کتابة السيرة النبوية عند المورخين المسلمين حتى نهاية العصر العباسي، ص ۴۵ - ۵۴؛ آیین‌وند، علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، ص ۱۷۹.

۲. امین، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۵.

۳. الدوری، نشأة علم التاريخ عند العرب، ص ۲۱.

تاریخی، به ویژه قصص انبیا پرداخته است؛^۱

طبقه سوم: سومین طبقه از مورخان مکتب مدینه که در رشد و تکامل مباحث تاریخی نقش موثری داشتند، عبارت اند از:

۱. موسی بن عقبه (م. ۱۴۱)؛^۲

۲. محمد بن اسحاق بن یسار مدنی (م. ۱۵۱) که هردو از شاگردان زهری اند؛

۳. محمد بن عمرو واقدی (م. ۲۰۷)؛ وی گرچه هم عصر ابن اسحاق است، اما تاریخ را از ابومعشر سندی فراگرفت^۳ و خود مبتکر روش جدیدی در ارائه گزارش های تاریخی بود و از این جهت به طور و تکامل ارائه گزارش های تاریخی چه از ناحیه اسلوب و روش ارائه و چه از جهت موادی که ارائه می شوند، کمک کرد و روش جدیدی ابداع کرد.

واقدی و ابن اسحاق مبتکر شیوه جدیدی در ارائه گزارش های مربوط به سیره و مغازی بودند، به طوری که پس از آن دو، ساختار سیره تغییر چندانی به خود ندید^۴. سیره ابن اسحاق دارای سه بخش است: المبتدا (آغاز آفرینش تا دوران جاهلیت)؛ المبعث (دوران بعثت) و المغازی (دوران هجرت). او در این سه بخش میان احادیث و گزارش های تاریخی و حکایات قصص و روایات اهل کتاب جمع کرد و از این جهت با انتقاد مورخان پس از خود مواجه شد.

افزون بر افراد مزبور، معمر بن راشد ازدی بصری (م. ۱۵۳)،^۵ نیز از افراد این طبقه شمرده شده است. رونق تاریخ نگاری مدینه بیشتر در زمان حاکمیت امویان، تا آخر حکومت آنان است. تاریخ نگاری مدینه با اینکه منسوب به شهر رسول خدا ﷺ است، اما در شام و از

۱. همان جا.

۲. ر.ک: مرادی نسب، موسی بن عقبه پیشگام در تاریخ نگاری.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. برخی بر آنند که نخستین بار عنوان «المبعث و المغازی» در کنار یکدیگر از سوی ابان بن عثمان احمر، مورخ شیعی، صورت گرفته و واژه مبعث به مجموعه حوادث مکه و واژه مغازی به مجموعه حوادث مدینه را در عصر رسالت دلالت داشته است؛ پس از وی واقدی و از گونه این ترکیب را به کار برد و کتاب خود را به نام «المغازی و المبعث» نامید (ر.ک: حسینیان مقدم، سیر تطور سیره نگاری، ص ۱۳۷).

۵. معمر، اهل بصره است؛ بعد از ازدواج با خواهر معن بن زائده یمنی به یمن رفت و بیست سال در آنجا بود و در ۵۸ سالگی در یمن در گذشت (ر.ک: عجللی، معرفه الثقات، ج ۱، ص ۴۳۵).

سوی امویان رونق گرفت و جهت‌گیری آنان نیز دور ساختن مردم از اهل بیت علیهم‌السلام و تاریخ آنان است، از این رو، در تاریخ‌نگاری مزبور هیچ‌گونه آثاری درباره اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم دیده نمی‌شود.

۲-۳. مکتب تاریخ‌نگاری عراق

چنان‌که گذشت، روند و خاستگاه شکل‌گیری سیره‌نگاری مدینه، تأثیر از حضور صحابه و تابعین و براساس نقل و تدوین احادیث شکل گرفت. پس از مکتب تاریخ‌نگاری مدینه، مکتب تاریخ‌نگاری عراق و به صورت خاص بصره، پدیدار شد. خاستگاه تاریخ‌نگاری عراق ظاهراً براساس فتوحات مسلمانان آغاز شده و با توجه به جنگ‌های داخلی مسلمانان، مانند جنگ جمل، ادامه یافته است. مهم‌ترین تفاوت تاریخ‌نگاری عراق و مدینه در این است که بخش مهمی از تاریخ‌نگاری عراق مانند نوشته‌های ابومخنف (م. ۱۵۷)، هشام کلبی (م. ۲۰۴)، هیشم بن عدی (م. ۲۰۷)، مَعْمَر بن مُثَنَّى (م. ۲۱۰)،^۱ نصر بن مزاحم منقری (م. ۲۱۲)^۲ و مدائنی (م. ۲۲۵)، با گرایش به اهل بیت علیهم‌السلام و با محوریت حرکت‌های سیاسی- اجتماعی آنان صورت گرفته است. همچنین بلاذری از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران اسلامی عراق در قرن سوم است که در اواخر سده دوم (میان سال‌های ۱۷۰ تا ۱۸۰) به دنیا آمد. وی با اینکه در دستگاه خلافت عباسی سخت مورد توجه آنان و مدتی نیز ندیم متوکل عباسی بود، بخش‌هایی از نوشته‌های او در «انساب الاشراف» به امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و فرزندان آن حضرت اختصاص یافته است. روند تکاملی و توسعه تاریخ‌نگاری عراق تا اواخر قرن هفتم ادامه داشت و هم‌زمان با سقوط خلافت عباسی به دست مغولان (۶۵۶ هجری) رونق علمی عراق به افول گرایید و مصر و شام که از دسترس مغولان به دور بودند به مرکز فعالیت‌های علمی تبدیل شدند و در حوزه تاریخ نیز با نگرش جدید، آثاری پدید آمدند که نشان از تاریخ‌نگاری جدید و تطور آن بود.

۱. مَعْمَر، اخباری ایرانی تباری است که گرایش‌های خارجی داشت و در موضوعات مختلفی کتاب نوشت. بخش‌های بسیاری از نوشته‌های معمر در آثار پس از او آمده‌اند (رک: ابن ندیم، الفهرست، ص ۵۹).

۲. منقری، مورخ اخباری شیعی است که مهم‌ترین نوشته‌های او درباره حوادث عراق، مانند جنگ‌های جمل، صفین و مقتل امام حسین علیه‌السلام است (رک: نجاشی، رجال، ص ۴۲۷).

بسیاری از اخبار فتوح به همراه اشعار و اخبار انساب که نقش مهمی در تاریخ داشتند از سوی مورخان عراقی، مانند عوانه بن حکم (م. ۱۴۷)، مدائنی، نصر بن مزاحم منقری و... نقل شده‌اند. تاریخ‌نگاری مکتب عراق با دو گرایش اهل بیتی و اهل سنت متعادل، شناخته شده است. از این رو افراد تأثیرگذاری مانند نصر بن مزاحم منقری (م. ۲۱۲)، گرایش کاملاً شیعی دارند و تاریخ‌نگاری او نیز مانند کتاب‌های الجمل؛ وقعة صفین؛ مقتل الحسین و... در راستای گرایش‌های شیعی او تدوین یافته‌اند.^۱ چنان‌که علی بن محمد مدائنی (م. ۲۲۵) و استادش عوانه بن حکم اموی، دارای گرایش‌های معتدل سنی بوده و بیشترین آثار آنها درباره حوادث عصر پیامبر ﷺ؛ فتوحات، تاریخ خلفا و دیگر حوادث تاریخ اسلام تا عصر عباسی را دربر می‌گیرند. کتاب‌های صفة النبی، ازواج النبی، المنافقین و من نزل القرآن فیه منهم و من غیرهم، اخبار الخلفاء، تاریخ الخلفاء، تسمیة الخلفاء و کناهم و أعمارهم، مقتل عثمان، الجمل، النهروان، الخوارج و کتاب خطب علی و کتبه إلى عماله، از جمله آثار مدائنی در تاریخ‌نگاری هستند. تاریخ‌نگاری عراق، بلکه تاریخ‌نگاری اسلامی با مدائنی به اوج خود رسید.^۲

۳-۳. مکتب تاریخ‌نگاری شام

در مکتب تاریخ‌نگاری شام، مانند دو مکتب پیشین، افزون بر پرداختن به سیره و مغازی، بر فتوحات و انساب‌نگاری نیز توجه شده است، اما با وجود این، ترکیبی از دو مکتب مدینه و عراق نیست.^۳ بلکه بیشتر، رکود علمی حجاز و عراق و رقابت دولت‌های شیعی و سنی؛ توجه حاکمان و وزرا به مباحث تاریخی، جنگ‌های صلیبی، شهرت مورخان و سهولت نگارش کتاب‌های تاریخی و مهاجرت علمای دیگر بلاد به شهرهایی مانند دمشق، حلب، حمص، قاهره و اسکندریه، از علل پدید آمدن مکتب تاریخی شام و رونق آن شده‌اند، از این رو، جهت‌گیری مکتب شام به طور کامل متفاوت با جهت‌گیری دو مکتب مدینه و عراق بود. نوع نگرشی که در مکتب تاریخ‌نگاری شام وجود دارد، تطور جدیدی در تاریخ‌نگاری

۱. الدوری، نشأة علم التاريخ، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. سجادی و عالم زاده، تاریخ‌نگاری در اسلام، ص ۶۵.

مسلمانان محسوب می‌شود. در این مکتب ضمن اینکه قرائت خاصی از برخی گزارش‌های تاریخی شده است، بیشترین تکیه مکتب شام بر فرهنگ نامه، تاریخ‌های محلی، شرح حال نویسی و تاریخ سیاسی است. مهم‌ترین فرهنگ‌نامه‌های موجود در حوزه تراجم و تاریخ‌های محلی مربوط به این دوره‌اند که بخشی از این فرهنگ‌نامه‌ها و تاریخ‌های محلی عبارت‌اند از: *بُغیة الطُّلب فی تاریخ حَلَب*، از ابن عدیم (د. ۶۶۶هـ)؛ *وَفَیَاتُ الْأَعْيَان*؛ از ابن خلّکان (۶۸۱)؛ *أَعْيَانُ الْعَصْرِ وَأَعْوَانُ النُّصْرَةِ* و همچنین کتاب *الوَفَیَاتُ بِالْوَفَیَات*؛ از صَفَدِی (د. ۷۶۴)؛ *فَوَائِدُ الْوَفَیَات*، از ابن شاکر (م. ۷۶۴)؛ *دُرَرُ الْعُقُود*؛ *الْفَرِیْدَةُ* فی *تَرَاجِمِ أَعْيَانِ الْمَفِیْدَةِ*، از مقریزی (د. ۸۴۵)؛ *الدُّرَرُ الْکَامِنَةُ* فی *أَعْيَانِ الْمَثَنَةِ الثَّامِنَةِ*؛ از ابن حجر عسقلانی (د. ۸۵۲)؛ *نَظْمُ الْعُقَیَانِ* فی *اعیان الاعیان*؛ اثر سیوطی (۹۱۱) و *الْمَجْمَعُ الْمُفَنَّنُ بِالْمُعْجَمِ الْمُعَنَّوَن*، از عبدالباسط حنفی (۹۲۰). در مکتب شام، فرهنگ‌نویسی رونق یافت و بر تاریخ‌های محلی توجه جدی شد و موسوعه‌های بی‌شمار و جامعی پدید آمدند.

خلاصه: سیرتطور مسلمانان در تاریخ‌نگاری از تکیه بر حافظه آغاز شد و با روش تکیه بر اسناد ادامه یافت و به تدریج از روش تکیه بر اسناد دوری جست و بر نقل اخبار بدون سند اکتفا شد. این تطور از حیث روش و اسلوب و هم نگاه‌های انتقادی به متون گذشته نیز بی‌نصیب نبوده است؛ افزون بر اینکه، مورخانی نیز اسلوب و روش خاصی در ارائه گزارش‌های تاریخی مطرح کردند که به الگوی تدوین کتاب‌های پسین تبدیل شد. محورهای و مضمون‌های اصلی این نوع از تاریخ‌نگاری‌ها اخبار گوناگون در زمینه مختلف‌اند و روش آنها نیز سال‌شمارانه، روایی یا ترکیبی از روایی-تحلیلی است که در قالب مکاتب تاریخی ارائه شده است.

۴. روش و ابزار تحلیل تاریخ اسلام

یکی از عرصه‌های مهم و پیچیده علم تاریخ، ریشه‌یابی و تحلیل جریان‌ها و شناخت یا بازشناسی علّت و پی بردن به سرشت پدیده‌های تاریخی است. چنان‌که از عنوان این بحث پیداست، دو عنصر: روش و ابزار تحلیل، از مهم‌ترین عناصر تحلیل و بررسی حوادث

تاریخی‌اند. روش، عبارت است از مجموعه‌ای از رویه‌ها که برای استنباط معتبر از متن به کار می‌روند و ابزار، عبارت است از وسیله‌ای که محقق به کمک آنها اطلاعات و داده‌های مورد نیاز خود را برای تجزیه و تحلیل گردآوری می‌کند.

از مهم‌ترین ابزار تحلیل برای پی بردن به حاق وقایع و صدق و کذب اخبار تاریخی پیش دانسته‌های معرفتی است. از جمله این پیش دانسته‌ها آشنایی با علم رجال و معرفی نقش منفی اشخاص در ساختن اخبار تاریخی، آشنایی با منابع تاریخی، مبانی و روش مورخان در گزارش وقایع تاریخی و به عبارتی، بازبینی منابع تاریخی، آشنایی با اصطلاحات تاریخی، آشنایی با اصطلاحات علم درایه و داشتن مهارت کافی در به کارگیری اصول نقد است. پس از این پیش دانسته‌ها، نخستین مرحله در فرایند تحلیل، گردآوری داده‌ها براساس اسناد و مدارک است، سپس تجزیه و تحلیل عقلانی آنهاست. تجزیه و تحلیل داده‌ها ممکن است به دو صورت توصیفی و تحلیل تبیینی (علّی) صورت بگیرد.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: تحلیل و بررسی یک متن پس از شکل‌گیری عناصر و عوامل مختلفی صورت می‌گیرد که عمده‌ترین این عناصر عبارت‌اند از:

۱. بررسی سند و مدارک متن؛
۲. آشنایی با عصری که متن در آن تدوین شده است؛
۳. شناخت دیدگاه مورخ؛ زیرا مورخان دارای دیدگاه کلانی هستند که شاید آن را هیچ‌گاه به زبان نیاورند، اما همه مطالب یک متن گرد محور آن دیدگاه پدید می‌آیند، از این رو، اگر آن دیدگاه اصلی موجود، اما مستور در متن، کشف و فهم نشود، مطالب اصلی متن، و نوع تاریخ‌نگاری، مورخ فهمیده نمی‌شود؛
۴. فاصله زمانی و مکانی (شکاف معرفتی) میان راوی و روایت، زیرا نزدیکی و دوری راوی به زمان وقوع حادثه هریک مزایای خاص خود را دارد؛
۵. شناخت باورها و گرایش‌ها اعتقادی مؤلف (دین، مذهب، تعصبات و محدودیت‌ها) به جهت اینکه نگرش خاص مذهبی مورخ گاه در نوع نقل گزاره‌های تاریخی اثر می‌گذارد؛
۶. وابستگی‌ها و تمایلات سیاسی که زاویه نگرش‌های مورخ به قدرت و نظام حاکم یا

رهبران و نهادهای که آن را بازتاب می دهد؛

۷. بررسی جایگاه مورخ از نگاه علم رجال، صداقت، عدالت، سلسله راویان و...؛
۸. بررسی منابع و مآخذ گزارش تا شواهد و استنادها و میزان اعتبار آنها مشخص شود. افزون بر موارد یاد شده، علامه سید جعفر مرتضی جبل عاملی برای نقد و بررسی و تحلیل متون تاریخی ضوابطی و معیارهایی را در دو بخش ذکر کرده است. در بخش نخست، ۴۷ مورد را به عنوان معیار حفظ انحراف^۱ و در بخش دوم، ۲۵ مورد را به عنوان معیار پژوهش علمی مطرح کرده است.^۲



۱. تاریخ را در لغت و اصطلاح تعریف کنید.
۲. نظر ابن خلدون درباره تعریف تاریخ چیست؟ و چه تفاوتی با نظر کفایجی دارد؟
۳. اهمیت تاریخ را از نظر قرآن و روایات اسلامی بنویسید.
۴. فایده خواندن تاریخ چیست؟
۵. ضرورت مکالمه تاریخ اسلام چیست؟
۶. مکاتب تاریخ نگاری مدینه، عراق، شام و مصر چه تفاوت هایی با هم دارند؟
۷. برای تحلیل تاریخ اسلام به چه روش ها و ابزارهایی نیاز داریم؟

۱. عاملی، الصحيح فی سیرة النبی الاعظم ﷺ، ج ۱، ص ۲۱۹-۲۷۹.

۲. همان، ص ۲۷۹-۲۸۴.



گفتار دوم: مهم‌ترین منابع تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ

این گفتار در معرفی مهم‌ترین و کهن‌ترین منابع سیره و تاریخ زندگانی رسول خدا ﷺ است. در این مجال به فراخور سخن، به شماری از اصلی‌ترین منابع تاریخ اسلام که پیوندی استوار با موضوع این نوشته دارند و آگاهی از آنها از بایسته‌های دانش تاریخ است، به کوتاهی بحث می‌شود. افزون بر معرفی کتاب‌های اصلی سیره، از نسبت و رابطه میان منابع و تأثیر و تأثر آنها از همدیگر، طریق راویان آنان، تفاوت میان آنها و روش هر کدام در نقل وقایع به اختصار یاد شده است.

تاریخ و سیره رسول خدا ﷺ، در طی سده‌های گذشته، توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده و با همت آنان، از راه ثبت در نوشتارهایی پرشمار و در قالب تاریخ نگاشت‌ها و کتاب‌هایی با عنوان سیره نبوی آثار بسیاری به ارث رسیده‌اند که در این بخش به شماری از مهم‌ترین این نوشته‌ها براساس توالی تاریخی اشاره می‌شود. گفتنی است منابع مربوط به تاریخ و سیره زندگانی رسول خدا ﷺ حوزه‌های متعددی مانند مناقب‌نگاری، شمائل‌نگاری، انساب‌نگاری، اخلاق، سیره، تاریخ و... هستند که به علت فراوانی مطالب آنها ناچار به کتاب‌هایی در این زمینه اشاره می‌شود که ترکیبی از سیره و تاریخ زندگانی رسول خدا ﷺ هستند؛ گرچه عنوان برخی منابع «سیره» و برخی دیگر «تاریخ»، یا عنوان‌های دیگری مانند طبقات یا انساب است.

۱. سیره ابن اسحاق یا کتاب المبتدأ والمبعث والمغازی، اثر محمد بن اسحاق بن

یسار مظلبی (۸۱ یا ۸۵-۱۵۰ یا ۱۵۱).^۱

این کتاب از نخستین آثار جامع در تاریخ اسلام و سیره رسول خدا ﷺ است که در میانه‌های قرن دوم نگاشته شده است.^۲ ابن اسحاق گزارش‌های این کتاب را در موطن

۱. شیخ طوسی، ابن اسحاق را تضعیف کرده است (ر.ک: طوسی، رجال، ص ۳۴۴).

۲. ابن حبان، الثقات، ج ۷، ص ۳۸۳.

اصلی خود، مدینه و از زبان اشخاص آگاه به سیره که شمار آنان بیش از صد نفر است، به گوش خود شنیده و آنها را گردآورده و در سفرهای که به مصر، کوفه، جزیره، ری و بغداد داشته، آنها را به شاگردان خود املاء کرده است.

کتاب سیره/ابن اسحاق شامل سه قسمت ذیل بوده است؛ قسمت اول: «کتاب المبتدأ» یا تاریخ عصر جاهلیت، که خود چهار فصل داشته است؛ فصل اول، درباره آغاز خلقت از آفرینش جهان تا دوران حضرت عیسی علیه السلام. این فصل بیش از همه با بی توجهی ابن هشام مواجه شده است. فصل دوم شامل تاریخ یمن در دوره‌های جاهلی بوده است. این فصل را می‌توان از تاریخ طبری نیز تکمیل کرد. مطالعه و بررسی قرآن باعث شده که تاریخ یمن نیز مورد توجه ابن هشام قرار نگیرد. فصل سوم اختصاص به قبائل عرب و آیین‌های آنان داشته است. فصل چهارم ویژه نیاکان بلا فصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و دیانت‌های مکه بوده است. در سیره/ابن هشام از کتاب المبتدأ به جز فصل اخیر، قسمت‌های دیگر نیامده‌اند. قسمت دوم، «کتاب المبعث» است که شامل زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مکه تا هجرت به مدینه است.

قسمت سوم «کتاب المغازی» است که مهم‌ترین و مستندترین بخش موجود سیره است. در این قسمت گزارش مفصل جنگ‌ها تا برپایی سقیفه بنی ساعده آمده است. مطالب قسمت‌های مختلف سیره/ابن اسحاق از نظر اعتبار یکسان نیستند، قست اول کتاب مشحون از اسرائیلیات است و اسناد مطالب آن یا مجهول‌اند یا از یهودیانی هستند که ابن اسحاق از آنها به «بعض اهل العلم» تعبیر کرده است. ابن ندیم او را در نوشته‌هایش متهم به تأثیرپذیری از یهود کرده^۱ و برخی نیز به همین دلیل او را طعن کرده‌اند.^۲ روش ابن اسحاق: بنای اصلی کتاب وی، بر نقل سند هنگام روایت است. استناد ابن اسحاق در نقل گزارش‌ها بیشتر به استادان برجسته مدنی‌اش، چون زهری، عاصم بن

۱. ابن هشام، مورخی است که کتاب ابن اسحاق را بازنگری... کرده است.

۲. ابن ندیم، الفهرست، ص ۱۰۲.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ ابن حبان، ثقات، ج ۷، ص ۳۸۲-۳۸۳.

عمرو عبدالله بن ابی بکر است.^۱ افزون بر اینکه در روایات اینها، مؤلف از همه صاحبان اطلاع و از فرزندان و نزدیکان کسانی که در حوادث دوران رسالت حضور داشته‌اند کسب خبر کرده است، چنان‌که از امام باقر علیه السلام حدیث شنیده است.

ابن اسحاق کتاب خود را به خواهش منصور عباسی نوشته است،^۲ اما پس از تألیف کتاب، خلیفه آن را طولانی دانسته و از مؤلف خواسته تا آن را مختصر سازد. ابن اسحاق کتاب بزرگ خود را در خزانه خلیفه عباسی نهاد و نسخه‌ای از آن را برای تلخیص به شاگردش سلمة بن فضل سپرد.^۳

اصل کتاب ابن اسحاق به صورتی که خود تدوین کرده بود، امروزه در دست نیست، اما روایت‌های کامل و ناقصی از آن موجودند که مفصل‌ترین آنها سیره/ابن هشام است. ابن هشام از طریق زیاد بن عبدالله بگائی آن کتاب را روایت و تهذیب و تلخیص کرده است. روایت دیگر از سیره/ابن اسحاق در تاریخ طبری است. طبری در تاریخ خود اقوال ابن اسحاق درباره آغاز آفرینش و وقایع تاریخی تا سال ۵۴ ق، را نقل و از آنها استفاده کرده است.^۴ وی در گزارش‌های خود از طریق محمد بن حمید رازی (م ۲۴۸) به راوی بلافصل ابن اسحاق، یعنی سلمة بن فضل ابرش که از همتایان بگائی است، استناد می‌کند.

کتاب السیره النبویه، تألیف عبدالملک بن هشام معافری مصری^۵ که به سیره/ابن هشام شهرت یافته است.^۶

این کتاب یکی از دو منبعی است که در سیره و مغازی رسول خدا ﷺ دارای اعتبار و شهرت بسیاری است. سیره/ابن هشام، در واقع همان سیره/ابن اسحاق است که ابن هشام

۱. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۷، ص ۳۴.

۲. ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۹؛ ابن هشام، السیره النبویه، مقدمه، ج ۱، ص ۱۴.

۳. بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۲۱.

۴. رک: آل داوود، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، مدخل «ابن اسحاق».

۵. برای ملاحظه شرح حال ابن هشام رک: سهیلی، الروض الانف، ج ۱، ص ۳۳-۴۳؛ قفطی، انباه الرواة، ج ۲، ص ۲۱۲، حاشیه ۶.

۶. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۱۷۷.

آن را تهذیب و تلخیص و به عبارتی بازنویسی کرده است.^۱ ابن هشام، بنابر آنچه در مقدمه کتاب خود^۲ گفته مطالبی را که ویرایش، یا حذف کرده است عبارت اند از:

۱. حذف «کتاب المبتدأ» در تاریخ انبیا و اختصار مباحث مربوط به آبا و اجداد پیامبر ﷺ و اخبار جاهلیت؛

۲. حذف آنچه در آن یادی از پیامبر خدا ﷺ نشده و چیزی از قرآن در باره آن نازل نشده و ارتباط و تأثیری در مطالب کتاب سیره ندارد؛

۳. اشعاری که ابن اسحاق آورده و آشنایان و عالمان به شعر آنها را درست نمی دانند؛

۴. مطالبی که نقل آنها شنیع است و خاطر برخی را می آزارد؛

۵. چیزهایی که زیاد بن عبدالله بگائی (م ۱۸۳) برای ابن هشام روایت نکرده است (بگائی همه سیره را دو بار نزد ابن اسحاق خوانده است).

از نکات یاد شده، نکته چهارم تا حدی مهم است. بگائی ممکن است روایتی از سیره را از خود ابن اسحاق شنیده باشد که ابن اسحاق به دلایلی آن را در سیره نیاورده است. به علاوه، ممکن است بگائی به دلائلی از نقل برخی اخبار سر باز زده باشد. بنابراین، هر دو می تواند عاملی در حذف برخی نقل ها باشد که طبعاً ارتباطی به ابن هشام ندارد.

بخش عمده حذف های صورت گرفته از سوی ابن هشام، از کتاب «المبتدأ» بوده که بسیاری از آن را طبری در تاریخ انبیا آورده است و بخش مهمی از آنها را که مربوط به اخبار مکه قدیم بوده، ازرقی در کتابش نقل کرده است. در بخش سیره رسول خدا ﷺ مطالب حذف شده، اندک اند و مواردی چون اسارت عباس بن عبدالمطلب در جنگ بدر - که برای حاکمان عباسی نگران کننده بوده مورد توجه ابن اسحاق نیز قرار نگرفته است؛ گرچه این مطلب در تاریخ طبری^۳ آمده است.

ابن هشام مطالبی از سیره را حذف کرده، ولی مطالب دیگری بر آن افزوده است، مواردی

۱. جاودان، «ابن هشام و سیره او»، آینه پژوهش، شماره ۱۱، ص ۱۱.

۲. بن هشام می گوید: «... و ما يعرض من حديثهم... و أشياء بعضها يشنع الحديث به، و بعض يسوء بعض الناس ذكره» (ابن هشام، السيرة النبوية، ج ۱، ص ۴).

۳. طبری، تاریخ الرسل والامم والملوک، ج ۲، ص ۴۶۳.